

## تداخل زبانی فضای مجازی و زبان معیار و تاثیر آن بر آموزش زبان

مجید هوشنگی<sup>۱</sup>

### چکیده

آمیختگی و تداخل زبانی در دو زبان از خصایص فرهنگی و طبیعی ارتباط میان زبانهاست. ورود فرهنگها و تبادل آن بر اثر عواملی چون جنگ، دین، تجارت، مهاجرت و پژوهش، نوع عمیقی از ارتباط بین زبانها را رقم میزند. این گفتگوی زبانی مبنای تاثیرگذاریهای مهمی بویژه از جنبه واژگانی و دستور زبان شده است؛ یعنی واژگان و نظام دستوری و به نوعی کلام هر دو زبان در بافت یکدیگر نفوذ می کنند. این اثرگذاری در دوره کنونی با ورود فضای مجازی و اینترنت جهانی به یک ساختار و فرم جدیدی تغییر شکل داده و نوع جدیدی از گفتمان زبانی را در حوزه زبان مقصد ایجاد کرده است. این تداخل زبانی میان زبان مجازی و زبان معیار جامعه، در حوزه آموزش زبان و یادگیری غیرفارسی زبانان مشکلاتی را برای آموزندگان به وجود می آورد. لذا این پژوهش، با روش تحلیلی-توصیفی در صدد پاسخگویی به این مساله است که نقش و جایگاه این فضای نوظهور در اختلالات زبانی و شکل گیری بحران در سطح آموزش به چه صورت و شاکله ای قابل تعریف، دسته بندی و ارائه است. در نتیجه تلاش می کند به سرفصل های مهم این تداخل و تهدیدهای ناشی از آن اشاره کند و با یک تحلیل در سه حوزه واژگانی، آوایی و نحوی به یک بخش بندی مشخص در جهت بازشناسی تکنیکی خطرات پیش روی آموزش زبان فارسی بپردازد.

در زبان مجازی واژگان و ساختار نوشتاری متعددی به سرعت برساخته یا تحریف شده است که علی رغم تغییر فرم واجی و نوشتاری و همچنین تغییر در نظام دستوری و نحوی زبان، بسیاری از واژگان بدیع و نوساخته ای را نیز وارد چرخه زبانی کرده است که بشدت زبان مقصد را درگیر تحوّل معنایی و کاربردی می کند. به گونه ای که تنها صورت نوشتاری در یک فرم مشترک نمایان می شود و معنا و حوزه کاربردی کاملاً با یکدیگر متمایز خواهد بود.

**کلیدواژه ها:** آموزش زبان، تداخل زبانی، فضای مجازی، نظام واژگانی، نطان آوایی، نحو زبان.

۱- مدرس و دکترای زبان و ادبیات فارسی، Houshanghi.majid@gmail.com

■ تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۵

■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۱

## مقدمه

ظهور اینترنت و گسترش فضای مجازی بویژه در دهه گذشته، در حوزه‌های بسیار وسیعی نقش کنشگری داشته و می‌توان این نظام ارتباطی و رسانه‌ای را مهمترین «پدیده» در دوره معاصر قلمداد کرد. اینترنت و به تبع آن نرم افزارهای وابسته و تابع آن پس از ماهواره و امواج صوتی و تصویری، عنوان مهمترین کنشگر فکری، فرهنگی و در پی آن، زبانی در جهان کنونی را از آن خود کرده کرده است. به رغم آنکه رسالت این فضا و ظرفیت‌های آن، بیش از آنکه مخرب باشند، مفید و در خور خدمت به انسانهاست، اما یکی از مهمترین شاخه‌های آسیب پذیری زبان در همین جایگاه رقم می‌خورد. شاید بتوان گفت بیشترین حیطه بحران‌زایی فضای مجازی در زمان کنونی ورود خطرات آن و صدمات بنیادینش به ساختار سلامت فکر، فرهنگ و به دنبال آن زبان است که تقریباً در جوامع فرهنگی و با پیشینه قوی، این مساله نمود بیشتری یافته و مواضع خود را هرچه بیشتر نشان می‌دهد.

مشخصاً خطرات ناشی از حوزه‌های عملکرد فضای مجازی را با توجه به نوع کنشگری آن به نرم افزارها و یا دامنه‌های متفاوتی، می‌توان نسبت داد، اما حیطه بحث این پژوهش بر روی اختلالات زبانی ناشی از فضای مجازی است که بر اثر تداخل این زبان با زبان معیار صورت پذیرفته است. لذا با توجه به تحقیقات میدانی این پژوهش، نقش بسیار موثر برخی نرم افزارها و شبکه‌های اجتماعی در حوزه اختلالات زبانی را می‌توان به شبکه‌های اجتماعی فیس بوک، اینستاگرام، توئیتر و پیام‌رسان‌های تلگرام، واتس آپ، اسکایپ، وی چت و گپ نسبت داد. بر اساس میزان محبوبیت با توجه به تعداد دفعات دانلود و نصب آن و یا میزان کاربران آن، در ایران فیس بوک، اینستاگرام، تلگرام و واتس آپ<sup>۱</sup> به عنوان کنشگران اصلی و فعال‌ترین شبکه‌ها و پیام‌رسان‌ها هستند. (بر طبق نظر سنجی ایسیا (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران) در مهرماه ۹۶)

البته شبکه‌های اجتماعی به معنای لغوی آن قدمتی به طول تاریخ دارند ولی این شبکه‌ها و

۱. بر طبق نظر سنجی ایسیا (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران) در مهرماه ۹۶

فضای مستخرج از آن در طول چند دهه گذشته راه خود را در مسیری خاص تعریف نموده و با ماهیت مبنایی و پدیدارشناسی آن، به عنوان یک محیط تفریح و سرگرمی و در گام بعدی یک ابزار پیام رسانی تعریف و توصیف شده است. اما در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که نقش و جایگاه این فضای نوظهور در اختلالات زبانی و شکل‌گیری بحران در سطح آموزش به چه صورت و شاکله‌ای قابل تعریف، دسته‌بندی و ارائه است.

### شبکه‌های اجتماعی: تعریف و ماهیت

واژه شبکه اجتماعی نزدیک به یک قرن است که به مجموعه روابط میان انسان‌ها در تمامی سطوح فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود. جان آرونلد بارنس در سال ۱۹۴۵ این واژه را برای نخستین بار و در ساختار علوم اجتماعی مطرح نمود و آن را برای مطالعات گروه‌های اجتماعی محدود مانند قبیله و خانواده و طبقات اجتماعی مانند جنسیت و قومیت به کار برد. (freeman, 27: 2006). تحلیل این شبکه‌ها به شناخت و استیلا بر برهان‌های تحلیلی، ساختاری و روابط میان افراد و تحلیل اخلاق و رفتار اجتماعی، خواهد انجامید که تمامی شناخت‌های بشری در خلال آن تعریف و دسته‌بندی می‌شود و تحلیل آن علاوه بر بحث بر روی اشخاص و گروه‌ها و سازمان‌ها، بر چگونگی ساختار رشته‌ها هم متمرکز است. (Wellman&berkowitz, 1988). آنچه جامعه شناسان بر آن توافق دارند این است که نتیجه تحلیل شبکه‌های اجتماعی به گستره و عمق تاثیر آن بر ساختار جامعه و هنجارها خواهد انجامید.

واضح است که انسان‌ها برای کسب موفقیت و نیل به پیشرفت‌های اجتماعی ارتباطات خود را با شبکه‌های اجتماعی وسیع‌تر و چند جانبه می‌کنند تا ارتباطات زیاد و ثبات درون شبکه‌ای داشته باشند. از همه مهمتر می‌توانند بین شبکه‌های متعدد ارتباط برقرار و نقش واسطه‌گری ایفا کنند که این خود به بقا و ثبات و پیشرفت انسان‌ها کمک می‌کند. (scott, 1991). از همه مهمتر شبکه‌های اجتماعی نقش کلیدی در ارتباط، تبادل فرهنگی و موفقیت‌های تجاری و پیشرفت‌های کاری ایفا می‌کنند و حتی قادر خواهند بود که کاربران‌شان را در برابر واکنش دیگر اعضای شبکه حساس و حتی کنشگر کنند و بدین وسیله افراد را در خصوص موضوعات متفاوت فعال، حساس و حتی منفعل گردانند. این اصول شبکه‌های اجتماعی در تمامی سطوح آن است اعم از مجازی و غیر

مجازی؛ اما شبکه‌های اجتماعی مجازی این امکان را صد چندان کرده و ظرفیت شکل‌گیری اجتماعات جدید کاربران را فراهم نموده است که علاوه بر غیر حضوری بودن و ارتباط با واسطه این شبکه (بر خلاف دیگر شبکه‌ها) به قوت می‌توان از آن به عنوان یک اجتماع انسانی یاد کرد. به گمان پژوهش‌های نوین، تمایل انسان امروزی بر حضور در شبکه‌های مجازی بیشتر از صورت شبکه‌های حقیقی است؛ زیرا علاوه بر یافتن دوستان جدید و قدیم، افراد از آزادی بیان عقاید و نظرات خود برخوردار هستند و جایگاهی برای تبادل نظر و گفتگوی بی‌واهمه می‌یابند و قادر خواهند بود تا عقاید و نظرات خود را به اشتراک و بحث بگذارند و در دنیای مجازی شاخص‌ها و اولویت‌های موردعلاقه خود را به راحتی و به گستردگی دریابند.

استفاده از خدمات شبکه‌های اجتماعی مجازی، به صورت فزاینده‌ای در حال گسترش است و می‌توان ظهور تارنما‌های مجازی چون یاهو و موتورهای جستجوگر مانند گوگل را نام برد. کاربران می‌توانند در این فضا، یا ساخت وبلاگ، اکانت فیس بوک، توئیتر و... خود را به طور خلاصه بازسازی و از خود یک هویت مجازی و آمالی تعریف نمایند. در ایران نیز بهره‌مندی از این شبکه‌های اجتماعی آزاد است و استفاده از آن به همان گونه و کاربرد جهانی و با اندکی تفاوت رواج دارد که این گستردگی شبکه‌های مختلف اجتماعی در جامعه ایرانی و فارسی‌زبانان باعث شده است فواید آن تا حدودی دستخوش صدمات آن شود و بافتار مثبت آن علاوه بر حضور و قوام کامل، با یک سلسله کاربردهای نادرست و تهاجم‌های شکننده جلوه نماید که مهمترین این شکنندگی‌ها را می‌توان به تغییر در نظام فکر، فرهنگ و زبان جامعه ایرانی مرتبط دانست.

### روابط زبانی

در آموزش زبان به طور اعم و بویژه آموزش زبان خارجی، یکی از مواردی که بسیار بر آن تاکید می‌شود مبحث تداخل زبانی است. در حقیقت آموختن یک زبان منوط به یک فعالیت آگاهانه و یا یک فرایند تجربی است که به تسلط و جمع آوری اطلاعات مربوط به یک سیستم زبانی و جایگاه آن مربوط می‌شود. حال این آموزش زبانی چه در حوزه زبان مادری و چه در آموزش زبان‌های دیگر با یک معضل مهم تحت عنوان تداخل همراه است. این مساله در یادگیری زبان‌های خارجی و یا آموزش سیستم جدید زبانی بیشتر معطوف به تداخل زبان مادری در زبان دوم است.

به بیان واضحتر، نقش کلیدی زبان مادری چه از جهت واژگانی و چه از جهت دستوری و نحوی، شکل آموزش زبان را در فرد، دستخوش تغییر می‌کند و آموزش زبان را دچار اختلال می‌نماید. به عنوان نمونه اگر در زبان فارسی حرف نفی برای منفی کردن جمله بر سر فعل آورده شود، زبان آموز در یادگیری زبان دوم نیز به صورت ناخودآگاه ازین تکنیک استفاده کرده و دچار اختلال می‌شود.

این ناهمخوانی در نحو زبان‌ها در حوزه واژگانی نیز وارد شده و و این اختلافات بر سر بار معنایی واژگان بویژه در تطبیق یک معنا از واژه زبان مادری با واژه‌ای دیگر از زبان دوم و زبان مقصد در ترجمه‌ها بیشتر نمود می‌یابد. البته مبحث تداخل زبانی در حوزه سوم یعنی آواها نیز نمود می‌یابد و لهجه و شاکله زبان مادری در آموزش زبان دوم ورود می‌کند و شکل آموزش را اندکی با اختلال مواجه می‌کند. لذا پژوهشگران معتقدند که هر چه سن فرد در آموزش بیشتر باشد، مبارزه با تداخل زبانی در آن سخت‌تر خواهد بود و این امر برای او نوعی کوشش ارادی و هدایت شده می‌نماید. (حسینان، ۱۳۶۶: ۱۳۵)

اما با توجه به این نگاه، و با توضیح مختصری که در بخش گذشته نسبت به شبکه‌های اجتماعی و نقش آن در ایجاد گفتگو و ارتباط انسان‌ها بیان گردید، می‌توان به یک رویکرد جدید در تداخل زبانی رسید که بر خلاف رویکردهای گذشته، بسیار نوپا و جدید است و نقش تعیین کننده‌ای در هویت بخشی و حتی آموزش زبان به کودکان و غیر فارسی زبانان ایفا می‌کند؛ یعنی می‌توان زبان مجازی و جنس کلام فضای مجازی را به عنوان یک خطر و ساختار تحریفی در آموزش زبان فارسی قلمداد کرد که در بافتار نحوی، واژگانی و حتی صوتی، نقش تداخلی در شکل‌گیری زبان ثانوی در ذهن زبان آموز ایفا می‌کند.

البته زبان فارسی تا کنون دستخوش تغییرات زیادی شده و با ورود زبان‌هایی چون عربی، مغولی، انگلیسی و فرانسوی در آستانه تحولات گوناگونی قرار گرفته است اما این مسائل با توجه به جهانی شدن اینترنت و شکل‌گیری نظام جدید زبانی وارد رده‌ای نوین و دگرگونه از تحریف گردیده و بسیار مسأله آموزش را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ به بیان صریح‌تر، زبان آموز طبیعتاً در برابر شکل هنجار زبانی یک حالت تدافعی با توجه به استیلای زبان مادری خویش دارد و در برابر آن

ایستادگی می‌کند و با توجه به اختلالات ناشی از فضای مجازی در شکل زبان هنجار، این شکنندگی و گریزپایی، شدیدتر و سریعتر می‌شود و زبان آموز در برابر دو تداخل می‌بایست مقابله کند؛ یکی زبان دوم و دیگری فهم شکل درست زبان دوم از شکل متداول در فضای مجازی. می‌بایست اقرار کرد که شکل زبان مجازی رسماً به یک قانون در فضای زبان هنجار مبدل شده و نظام نوشتار فرد بسیار تحت تاثیر نوشتار مجازی و غلطها و اشتباهات رایج در آن قرار می‌گیرد.

این تأثیرگذاری‌ها عبارتند از: شکل‌های متنوع از یک واژه، تغییر در جایگاه حروف، تغییر در کاربرد حروف هم صوت، تغییر در کاربست معنای واژه، شکستن ساختار نحوی به جهت تسریع و طنز در متن، استفاده از برچسب (استیکر) به جای واژه و بسیاری از این دست اختلالات در حوزه نوشتار که آرام آرام جایگاه درست کلام را متزلزل کرده و خود را در نظامی جعلی وارد زبان می‌کند. البته باید تاکید کرد که ارتباط زبان فارسی و زبان‌های بیگانه از بدو شکل‌گیری تاکنون، دوره تأثیر و تأثر گوناگونی را به خود دیده است. این ارتباط زبانی در قرن‌های اول تا سوم هجری دوره اوج خود را سپری کرده و تاکنون آمیزش‌های گوناگونی را به خود دیده است. اما هیچکدام از این ترکیب‌ها و داد و ستدها و گرده‌برداری‌ها، در ماهیت خود از یک نظام غلط الهام و تأثیر پذیرفته و همواره یک برخورد بین زبان‌ها تلقی شده است. بحث بر سر چرایی این روابط و اشتباهات، ناشی از این همزیستی است. اما در روابط بین فضای مجازی و زبان معیار، اساساً با یک زبان جعلی و سرشار از اشتباهات مبتنی مواجهیم که نوع گفتمان بین دو زبان را از اساس دچار بحران کرده و این بحران که رنگ و بوی غلبه نیز به خود گرفته است، بیش از هر چیز، نسل نوآموز زبان و همچنین غیر فارسی زبانان را در معرض خطر قرار می‌دهد. و ورود وام‌واژه‌های بسیار از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، به فارسی معیار، صرف نظر از جنبه‌های مخرب و منفی در کاربرد زبان، آموزش گفتگوی بین زبان فارسی و دیگر زبان‌ها را دچار اختلال می‌گرداند. زیرا ناآشنایی با این واژگان مجازی و نوساخته و بی‌ریشه، که در فارسی کاربرد کاملاً رایجی نیز یافته‌اند، مترجمان از زبان فارسی به دیگر زبان‌ها و دانشجویان مترجم را نیز دچار بحران معنایی و شکلی در کلام می‌کند و می‌تواند منشا ترجمه‌های ناکارآمد و جعلی و مغلوط باشد.

### شکل‌های تاثیر زبان مجازی در زبان فارسی

روابط زبان معیار و زبان شبکه‌های مجازی بیش از آنکه رابطه دوسویه باشد، نقش مخرب یک سویه دارد و با آنکه این دو زبان در یک زیست‌مایه و خانواده مشترک زبانی قرار گرفته‌اند، این رابطه از یک حرکت مثبت و گفتمان مشترک به یک خط یکسویه مخرب تغییر مسیر داده است. شاید دلیل آن رابتن در نقش جایگزینی امپراتوری مجازی و نرم، به جای استیلای محیطی و خاکی جستجو کرد. استیلای عظیم زبان مجازی و اینترنت، در دوره کنونی واژگان فراوان اداری، دینی، زیست‌شناسی، محاوره‌ای، آیین‌ها و... را دست‌خوش تغییر و دگرگونی مورد پسند خود قرار داده و حتی دریچه شکل‌ها و تصویرها را به روی زبان بز کرده است؛ به گونه‌ای که در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها بیش از کلمه و کلام، شکل‌ها و به اصطلاح استیکرها هستند که نقش انتقال معنا را بر عهده دارند و در هر لحظه و با توجه به هر موضوع و مقوله اجتماعی و حتی فردی، شکل جدیدی به خود می‌گیرند. نکته قابل توجه این است که در بحث ورود زبان‌های متعدد به فارسی مثلاً زبان عربی در فارسی «فارسی در بین زبان‌های ممالک متعددی که مغلوب تازیان شدند، وضع ممتازی دارد و توانسته است استقلال خود را حفظ کند و تأثیر عربی در آنها، تنها منحصر به ورود لغات و بعضی از قواعد است» (فرشیدورد، ۱۳۸۷: ۳۲). اما به شدت این استقلال در زمان کنونی دست‌خوش تغییر و انفعال شده و بخش قابل توجهی از زبان را دچار اختلال نموده است که می‌توان ابعاد و جنبه‌های متفاوت این امر را ناشی از موارد زیر دانست:

#### الف) نفوذ فکری و اندیشگانی

فضای مجازی به واسطه بهره‌مندی از جذابیت متنوع، شکل‌پذیر بودن در قالب هر فکر، بعد نرم‌افزاری منعطف و فکر شده و از همه مهمتر، هم‌فکری با هر حوزه اندیشگانی، می‌تواند درصد پذیرش نوع فکر و چگونه اندیشیدن را از سوی کاربران به حاکمیت خود در آورد و طبیعتاً با ورود و تسری فکر در ذهن کاربر، میزان کاربرد اصطلاحات و نظام زبانی آن منبع نیز بشدت افزایش یابد و چونان یک منبع الهام در قوام بخشی و حتی تخریب منبع زبانی کاربران به صورت یک عامل فعال عمل کند. در واقع محور فضای مجازی و فکر ناشی از آن موضوع اصلی زبان‌شناسی واقع خواهد شد و شکل تحول زبانی چه در سطح عوام و چه خواص، نقشی قوی‌تر و حتی مبنایی‌تر به خود خواهد گرفت.

## ب) نفوذ زیباشناسانه و ادبی

زبان هنری فضای مجازی کاملاً تحت تاثیر دو شاخه مهم هنری یعنی طنز و نقاشی به صورت فزاینده‌ای شکل کلمه را تغییر داده است. البته می‌توان گفت این تغییر و دگرگونی مختص زبان مجازی نیست و از اواخر دوره مدرن و شروع دوره پست مدرن این اتفاق در حال شکل‌گیری است. به عنوان نمونه می‌توان به شعر کانکریت و هنر خط و گرافیک به عنوان پیش‌تازان تلفیق تصویر در زبان اشاره کرد که نقش تعیین‌کننده‌ای در انواع ادبی معاصر ایفا می‌کنند. اما حضور تصویر و طنز به عنوان دو عنصر محرک هنری در فضای مجازی نقش بسیار پررنگتری به خود گرفته است؛ به گونه‌ای که تغییر در نظام آواها، شکل کلمات و استفاده از برجسب‌ها به جای جمله‌بندی از مهمترین خصایص آن گردیده است. زمانی که می‌توان از یک برجسب و شکلک تعجب همراه با طنز به جای جمله «دقیقا منظور سخنت را نفهمیدم» استفاده کرد- جمله‌ای که البته ممکن است در مخاطب ایجاد تکدر و حتی سوء برداشت نیز بکند- کاربرد فضای مجازی را سخت به سمتی می‌کشاند که تصویر را به جای کلام در سطح زبان نوشتار جایگزین کند. نمونه دیگر آنکه به جای شکل درست عبارت سوگند به قرآن، شکل «به قرع‌ان» را به جای آن، می‌نویسد و با وارد کردن چاشنی طنز به همراه تاکید در کلام، شکل نظام آواها و حروف را به طرز فزاینده‌ای دستخوش تغییر می‌کند. بعضی از واژه‌های مجازی به سبب کوتاهی و طنزگونه بودن خود بر لغات معادل خود در زبان فارسی چیرگی یافته است. به نمونه‌های این گونه لغات در بخش بعدی این پژوهش اشاره خواهد شد.

## ج) کنش اجتماعی

حضور فضای مجازی و نرم‌افزارهای مرتبط با آن در اجتماع و فراگیری آن در سطح چند ده میلیونی و همزیستی فزاینده آنها با فارسی‌زبانان، یک جامعه موازی مجازی را در سطح شبکه کاربران تشکیل داده است. میزان رواج شبکه‌های اجتماعی در میان این فارسی‌زبانان به واسطه همزیستی متناسب با نیازهایی که احیاناً در جامعه سرکوب شده و نیاز افراد به شناخت و زیست در جامعه‌ای دیگرگونه‌تر از آنچه در آن هستند، باعث آن گردیده است که جامعه مجازی نقش کنشگرانه‌تری نسبت به جامعه پیرامون فرد ایفا کند و در پی آن بتواند بر زبان کاربران خود تأثیر



بگذارد. در مسأله آموزش زبان، زیستن در جامعه آن زبان و تبادل و داد و ستد و گفتگو با اهالی آن فرهنگ از مهمترین عوامل یادگیری است؛ زیرا شناخت قواعد یک زبان ضرورتاً باعث ایجاد توانایی در به کارگیری اطلاعات آن زبان نمی‌شود. در واقع حفظ کردن به معنی هیچ چیز یاد نگرفتن است و مهمترین عامل آموزش، نقش جامعه و شرایط اجتماعی در یادگیری است. حتی این مسأله در سال‌های نخستین شکل‌گیری زبان فارسی نیز نقش کلیدی بازی کرد و داد و ستد زبانی با تأثیر بر مقولات اجتماعی در آن دوران به اوج خود رسیده بود. رک: (ندا، ۱۹۹۱: ۴۸) و (همان: ۲۳۳) و (جاحظ، ۱۹۴۸: ۱۴۲).

#### د) بعد سانسورگریزی

از مهمترین و تأثیرگذارترین شاخص‌ها و عوامل نفوذ و رواج وام‌واژگان فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در زبان فارسی، عبور کاربران از خطوط قرمز و گلوگاه‌های اخلاقی و سیاسی جامعه است که جذابیت و به تبع آن نفوذ این حوزه نشانگانی را در نزد کاربران دچار تغییر و تحول کرده و به نوعی تحت سیطره خود گرفته است. جلوه‌های متعدد عبور از محدودیت‌ها و تلقین احساس آزادی در اجتماع به عنوان یک محور مهم در تبعیت از زبان این کنشگر است که روند رو به اوجی را در اختلال آموزشی ایفا می‌کند و کاربرد خود را به صورت ناخودآگاه محکوم به پیروی از نظام زبانی و دستورالعمل‌های فکری خود می‌گرداند و در نتیجه این مورد در کنار دیگر شاخص‌ها یکی از بحران‌های اصلی آموزش زبانی را رقم می‌زند؛ بحرانی که به منظور عبور از آن می‌بایست در گام نخست کلام هنجار درست را به مخاطب آموخت و در مرحله بعد با غلط‌های رایج و شکل نادرست کاربردی زبان که متأثر از فضای مجازی است به مقابله برخاست که این امر بحران آموزش را دوچندان می‌کند و راه را بر مخاطب زبان آموز دشوار می‌گرداند.

لذا تداخل زبانی گسترده‌ای در خود زبان فارسی قابل بررسی است که علل آن از این قرار است: یک: آنچه در این مجال به لحاظ جنبه‌ها و علل آمیختگی و تلازم دو کاربرد زبانی بیان گردید دو: تأکید بر جذابیت زبان مجازی برای عوام، سه: امپراتوری برتر آن و نیز عدم کاربست زبان درست و هنجار در امور روزمره اهل زبان بویژه فارسی‌زبانان. چهار: تأثیر فراگیر نه تنها در ساخت‌های نحوی و کلان، بلکه در نظام واژگانی و صوتی با توجه به آماده بودن بستر سیاسی و

اجتماعی جامعه و همسویی آنها در این امر، که به وسعت زیادی در حوزه آموزش و البته ترجمه از فارسی به دیگر زبانها تأثیرگذار است. وقتی که کلامی جعلی در زبان معیار و هنجار فارسی نفوذ کرد و تغییر معنایی و شکلی کلام را به دنبال آورد، در جهت حفظ، آموزش و ترجمه زبان ایجاد اشکال خواهد کرد.

### گونه‌های تداخل‌های مخرب مجازی

گونه‌های متعدّد واژگان دخیل فضای مجازی را می‌توان در فارسی، به صورت‌ها و شاخصه‌های گوناگونی تقسیم‌بندی نمود که از جهت کاربردی بودن، نوع واژه یا روش تغییر قابل بررسی هستند. اما این پژوهش بر آن است تا در یک دسته بندی به انواع این واردات و تغییرها اشاره‌ای داشته باشد و مجال بحث بر سر نظام آن و تحولات ریشه شناسی آن برای پژوهشی دیگری باز خواهد بود. لذا می‌توان دسته‌بندی و چگونگی اثرگذاری آن را علی‌رغم بررسی واژگان دخیل، در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱- تغییرات واژگانی که در فارسی معیار کاربرد داشته‌اند اما شکل نوشتاری آنها تغییر کرده است:

این تغییر و تحول در کلمه به دلایل متعددی صورت می‌پذیرد؛ به عنوان نمونه می‌توان به تأثیر احساسات عاطفی در تحریف شکل واژه اشاره نمود. مثلاً استفاده از واژه «عجیجم» یا «عیسیسم» به جای عزیزم. یا به کار بردن کلمه «قرع‌ان» به جای قرآن.

نوع دیگر این دست تحریفات مربوط به خلاصه کردن کلمات می‌شود. در بعضی موارد به‌واسطه تأثیرپذیری از انگلیسی و مختصر نویسی لاتین، از واژه‌های خلاصه و حروف به عنوان یک کلمه کامل استفاده می‌شود. مثلاً کاربرد مجازی به جهت خلاصه نویسی واژه «که» به حرف «ک»، یا شما را به «ی» تبدیل می‌کند.

اما یکی از مهمترین اشکالات رایج مجازی اشتباه‌های املایی است. یعنی استفاده از حروف هم آوا اما متفاوت در حوزه نوشتار؛ مثلاً می‌توان از واژگانی مانند «سپاسگذار» در جایگاه سپاسگزار، «عاااقا» به جای آقا، «علکی» به جای الکی و یا «مطمعن» در جایگاه مطمئن یاد کرد که این بهره‌مندی و تحریف تقریباً دلیل خاصی نداشته و صرفاً یک حرکت طنز آمیز و به تعبیر کاربران یک حرکت «فان» تلقی خواهد شد.

### ۲- تغییرات واژگان نوساخته‌ای که کاربردی در فارسی معیار کاربردی ندارند:

زبان شبکه‌های مجازی علاوه بر تحریف و یا تخریب کلمات به گونه‌ای دیگر در جهت سامان بخشی به زبان خود، دست به جعل واژه زده و حروف را در قالبی نو ریخته و به شکلی جدید و در معنای مورد نظر خود عرضه می‌دارد. برخلاف قسم بالا این کلمات در فارسی معیار کاربردی ندارد و صرفاً ظهور آن با فضای مجازی آغاز شده است. کلماتی چون مفیری، هه لو، دپسرتم، عوجولم و رل زدن، رلشه، ایستگاه کردن نمونه‌هایی از این دست هستند. این موارد به همراه بسته کاملی از اصوات دیگر، پیکره زبان را به شدت دچار تهدید کرده و به تدریج ظهور آنها در کلام مردم کوچه و بازار باعث اختلال در تفکیک زبان حقیقی از زبان جعلی و ایجاد مانع در حوزه آموزش و ترجمه زبان می‌شود.

### ۳- اصوات و مصوت‌هایی که برای بیان احساسات برساخته می‌شوند:

در این حوزه اصوات و صداآوای متعددی مشاهده می‌شود که در زمینه‌های متعددی نقش بیان احساسات و حال گوینده را بر عهده گرفته است. ازین دست واژگان می‌توان به «خخخخخخ» به جای صدای خنده، «عووووه» در جایگاه تعجب، «هعیییی» در جای افسوس و... اشاره داشت. این موارد البته به شدت و گسترده‌گی موارد دیگر، ساختار زبان را تهدید نمی‌کند اما تداول آن و به تدریج جایگزینی موارد مشابه آن در زبان هنجار می‌تواند موانع زیادی را در حوزه آموزش ایجاد و تداخل زبانی را وارد مرحله جدیدی نماید.

### ۴- تغییرات دستوری و نحوی در نظام زبانی شبکه‌های مجازی

یکی از مهمترین تحریفات و کنش‌های منفی فضای مجازی در ساختار زبان، در هم شکستن ساختار دستوری صحیح کلام و ورود به وادی شلخته‌نویسی و پراکنده نویسی است. به نحوی که زبان محاوره با تغییر بسیار گسترده‌ای وارد زبان نوشتار گفتگوها و محاورات شده و همین شکل نوشتاری که از محاوره الهام گرفته است، به مرور در زبان نوشتاری که تحت تاثیر مستقیم زبان معیار است تأثیرات مخربی می‌گذارد؛ یعنی به مرور دستور زبان محاورات در دستور زبان نوشتار وارد شده و بر آن غلبه خواهد کرد.

برای نمونه می‌توان از شکسته نویسی‌ها یاد کرد که پیش از آن در داستان و نمایشنامه نویسی و ترانه سرایی رواج داشته و به دلیل مخاطبان محدود و البته فرهیخته این دست متون، آنچنان وجه

بحرانی‌ای نداشته است. اما به واسطه همگانی شدن فضای مجازی تبدیل به یک بحران زبانی گردیده و از یک روند معمول خارج شده است. مثلاً اینکه به جای «می‌روم» بگوییم «میرم». یا به جای «گفته است» بگوییم «میگه». این نوع شکسته نویسی برای افراد درون یک جامعه زبانی شاید چندان اشکالی ایجاد نکند اما برای کسانی که می‌خواهند زبان دوم بیاموزند و تفاوت بین گونه‌های زبان را تشخیص نمی‌دهند اشکال ایجاد می‌کند.

از موارد مهم دیگر در شکستن ساختار نحوی، ساختن افعال جعلی است؛ ابداع افعال جعلی جدید مانند «بزنم»، «هنگیدم» و «چتیدند» از این کنش‌های مخرب و منفی است که نقش گره افکنی در آموزش زبان بر عهده دارد.

اما یکی از مهمترین مواردی که در بافتار نحوی زبان شاهد آن هستیم، تقدم و تاخر، و تداخل واژگان بر روی محور همنشینی است که گاه زبان نوشتار را اساساً نامفهوم می‌کند که صرفاً می‌بایست گوینده متن در لایه نوشتار حضور داشته و با لحن خود آن متن را ادا کند. این اتفاق به شدت در فضای اینستاگرام مشاهده می‌شود و توضیحاتی که در پی نوشت‌های تصاویر عرضه می‌شود کاملاً گویای این نکته بحرانی است. متعاقباً در گفتگوهای تلگرامی و به تعبیر کاربران چت و کامنت‌های تلگرامی نیز این مساله و شکست در ساختار استاندارد زبان به وضوح مشاهده می‌شود که شاید بتوان گفت بزرگترین خطر در مساله آموزش زبان قلمداد خواهد شد.

### نتیجه

یکی از مهمترین مسایل در آموزش زبان عبور از مرحله زبان مادری و ورود به بخش هضم زبان مقصد است که مساله تداخل زبانی یکی از موانع مهم در نیل به این هدف شناخته شده است. یکی از موارد مهم در تداخل زبانی شکست و چند پارگی در زبان مقصد است که نوعی سردرگمی و بحران عدم ثبات را در چهارچوب یادگیری زبان از خود به جا می‌گذارد. عوامل متعددی چون نفوذ زبان‌های بیگانه، ظهور لهجه‌ها در خلال آموزش، اشکالات و ضعف‌های درون ساختار هر زبان و در دوره کنونی نقش فضای مجازی در شکست و صدمه زدن به ساختار درست زبان هنجار و تحریف و تضعیف آن می‌تواند به عنوان مهمترین اختلالات در جهت آموزش زبان به نوآموزان و زبان آموزان خارجی ایفای نقش کنند.

تعاملی بودن فضای مجازی و عوامل متعدد فکری، اجتماعی، فرهنگی و البته سیاسی در نوع خود می‌تواند این مفهوم را تقویت کند و به این بحران‌ها دامن بزند. با بررسی این بحران‌ها می‌توان به یک رویکرد جدید در تداخل زبانی رسید که بر خلاف رویکردهای گذشته، بسیار نوپا و جدید است و نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت بخشی و حتی آموزش زبان به کودکان و غیر فارسی زبانان ایفا می‌کند؛ یعنی می‌توان زبان مجازی و جنس کلام فضای مجازی را به عنوان یک خطر و ساختار تحریفی در آموزش زبان فارسی قلمداد کرد که در بافتار نحوی، واژگانی و حتی صوتی، نقش تداخلی در شکل‌گیری زبان ثانوی در ذهن زبان آموز ایفا می‌کند. این موانع توسط حوزه‌های چهارگانه ۱- تغییرات واژگانی که در فارسی معیار کاربرد داشته‌اند اما شکل نوشتاری آنان تغییر کرده است ۲- تغییرات واژگان نوساخته‌ای که کاربردی در فارسی معیار کاربردی ندارند ۳- اصوات و مصوت‌هایی که برای بیان احساسات برساخته می‌شوند ۴- تغییرات دستوری و نحوی در نظام زبانی شبکه‌های مجازی قابل بررسی و تحلیل است که همه این موارد در جایگاه خود نقشی تعیین‌کننده در اعوجاج ذهنی زبان‌آموز دارند. زیرا زبان آموز طبیعتاً در برابر شکل هنجار زبانی یک حالت تدافعی با توجه به استیلای زبان مادری خویش داشته و در برابر آن ایستادگی می‌کند و با توجه به اختلالات ناشی از فضای مجازی در شکل زبان هنجار، این شکنندگی و گریزپایی، شدیدتر و سریعتر شده و زبان آموز در برابر دو تداخل می‌بایست مقابله کند؛ یکی زبان دوم و دیگری فهم شکل درست زبان دوم از شکل متداول در فضای مجازی. لذا اتخاذ راهکارهای راهبردی و موثر در سطح سیاست‌گذاری‌های کلی و همچنین اختصاص هزینه و فرصت مبسوط بر این امر می‌تواند به عبور از این گلوگاه و تسهیل روند آموزش کمک شایانی نماید.

## منابع

- ۱- حسینیان، حسین (۱۳۶۶) مسأله تداخل در یادگیری زبان خارجی، مجله رشد آموزش زبان، بهار و تابستان، شماره ۱۱ و ۱۲.
- ۲- چاحظ، (۱۹۴۸م.). البیان و التبيين. به کوشش عبدالسلام هارون. بیروت: دارالجيل.
- ۳- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۷). تاریخ مختصر زبان فارسی از آغاز تا کنون. تهران: زوآر.
- ۴- ندا، طه (۱۹۹۱م.). الأدب المقارن. بیروت: دارالنهضة العربیة.
- 5- Freeman, Linton(2006) *The Development of Social Network Analysis*. Vancouver: Empirical Pres, 2006; Wellman, Barry and S.D. Berkowitz, eds. , 1988. *Social Structures: A Network Approach*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 6- Wellman, Barry and S.D. Berkowitz ( 1988) *Social Structures: A Network Approach*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 7- Scott, John ( 1991) *Social Network Analysis*. London: Sage

